



www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ • ۹ صفر ۱۴۴۳ • ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱  
سال نوزدهم • شماره ۴۰۹۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۹ • اذان مغرب ۱۹:۲۸  
اذان صبح فردا ۵:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

fardashargh@gmail.com

*روزنامه‌رو*

**نور نوشت** 

چهار تن انواع مخدر غیردرویی کشف‌شده در سمنان امحا شد. عکس: اسماعیل طحان، باشگاه خبرنگاران جوان



**پیشنهاد**

## ۳ سمینار برای روزنامه‌نگاری

تا ۲۲:۳۰ می‌توانید در کلاس «فیچرنویسی در روزنامه‌نگاری مدرن» که علی‌اکبر قاضی‌زاده تدریس می‌کند، شرکت کنید. یونس شکرخواه نیز پنجشنبه اول مهر در همان ساعت کارگاهی با عنوان «مواجهه روزنامه‌نگاری با پاندمی کرونا» را برگزار می‌کند. آخرین کارگاه هم پنجشنبه هشت مهر ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰ برگزار می‌شود

مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه بهاران یک دوره رایگان و آنلاین روزنامه‌نگاری برگزار می‌کند. «علی‌اکبر قاضی‌زاده»، «یونس شکرخواه» و «مجید رضائیان»، سه استاد شناخته‌شده ارتباطات، مدرسان این دوره هستند. این دوره در سه هفته پیاپی و در روزهای پنجشنبه برگزار می‌شود. امروز ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ ساعت ۲۱



# نذرت به سلامتی می‌رسه

داروی کودکان محک نذر امسالتون باشه

زیر این سقف تنها آرزوی خانواده‌ها، بهبودی پاره تنشون از بیماری سرطانه و تمام تلاش ۳۰ ساله خانواده محک، کم کردن نگرانی تأمین هزینه درمان این قهرمان‌های کوچک برای خانواده‌هاشون بوده و هست.

با پرداخت نذر امسالتون به محک، فاصله بین آرزو و سلامتی را برای کودکان مبتلا به سرطان کوتاه کنید

روش‌های حمایت از کودکان محک

شماره کارت بانک ملی : ۰۵۹۰۰۰۹۵۵-۹۹۱۱-۶۰۳۷

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰ گزینۀ نیکوکاری اپلیکیشن آپ

از این که به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.



**تحلیل**

# لزوم مطالعه مخاطرات طبیعی در طراحی متروهای شهری



امین عمادی\*

پایش مداوم این پدیده و مطالعه اثرات آن بر سازه‌های زیرزمینی کمک شایانی در کاهش خسارت‌های این پدیده در شریان‌های حیاتی را دارد. متأسفانه احتمال جابه‌جایی ناگهانی در تونل‌ها و در نهایت ریل‌ها بر اثر نشست وجود دارد که منجر به خارج‌شدن قطار و نهایتاً رخداد فاجعه خواهد شد. در ژاپن از دهه‌های پیشین برای قطارهای سریع‌السیر خود سیستم‌های هشدار سریع زلزله برای مقابله با رخدادهای زلزله را طراحی و اجرا کرده‌اند. به این صورت که با نصب شتاب‌نگار بر روی قطارهای در حال حرکت با طراحی یک سیستم هشدار در محل، پس از دریافت موج فشاری و قبل از رسیدن امواج مخرب برشی سرعت قطار به‌شدت کاهش پیدا کرده و پس از چند ثانیه و اتمام لرزش، قطار به سرعت اولیه خود بازمی‌گردد. خوشبختانه در حوزه مهندسی مخاطرات در کشور کارهای مطالعاتی و کاربردی خوبی انجام شده است. همچنین دستورالعمل‌های خوبی هم در همین راستا توسط سازمان برنامه و بودجه و کمیته‌های تخصصی منتشر شده است که می‌تواند به عنوان چراغ راه طراحی‌های آینده فضاهای زیرزمینی قرار بگیرد. در جنوب غربی تهران سالانه حدود ۲۰ سانتی‌متر فرونشست را تجربه می‌کنیم، همچنین گسل‌های متعددی به‌صورت شرقی-غربی خطوط مترو را قطع کرده‌اند. در دشت مشهد تا گلپهرا و چناران نرخ فرونشست درخور توجه است. در شیراز خطوط متروی در حال ساخت با گسل سربوشان تلاقی دارد. بنابراین نیاز است قبل از شروع هر پروژه شهری به‌ویژه فضاهای زیرزمینی به مخاطرات طبیعی و اثرات آنها بر این دست سازه‌ها پرداخت تا در زمان بحران، مخاطرات چندین‌برابر نشود.

► پژوهشگر حوزه طراحی فضاهای زیرزمینی و مترو

**روزها**

## بحران هویت حکمرانان شرقی و قدرت‌های بزرگ



حسین روحانی‌صدر کارشناس سازمان اسناد

ن امیدند، تبعید ناخواسته رضاشاه و استعفا از سلطنت ۱۶ساله‌اش را از کدام نوع باید دانست؟ منافع خارجیان یا خودکامگی سنتی حکمرانان! نکته جالب اینکه تأکید برخی صاحب‌نظران بین‌المللی همچون سرریدر بولارد بر اهمیت موقعیت منحصربه‌فرد قاب‌های گرم جنوب به مرزهای شمالی آن را نباید از نظر دور کرد اما چرا این حکمران را سدی بر سر این مسیر دانستند؟ و چگونه می‌توان از این دست حوادث برای خاتمه‌دهی به بحران‌های ویرانگر حضور نظامی قدرت‌های بزرگ و کاهش تعاملاتشان با ماجراجویان منطقه‌ای استفاده کرد؟ اگر فرهیختگان و گردانندگان امور در طول این دوران به واکاوی چرایی وقوع چنین حوادثی که بیشتر توأم با ناامنی و تخریب سرمایه‌های ملی و ازدست‌رفتن نیروهای معنوی بوده، پرداخته بودند، می‌توانستند راهکارهایی برای کنترل و کاهش ضایعات این جریان‌های داخلی و خارجی ارائه دهند. به‌طور قطع، ارائه طرح‌ها و چشم‌اندازهای کلان اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی نخبگان موجب دگرگونی در تأملات نیروهای تأثیرگذار داخلی با قدرت‌های کوچک و بزرگ جهانی می‌شد و جدی‌نگرفتن تجربه معاصران و عدم به‌کارگیری بجا از فرصت‌های پیش‌رو، امکان تکرار همه ناهنجاری‌های پیشین را به دنبال خواهد داشت.

**تماشاگر-۲**

## در میانه بضاعت جهان



رضا صدیقی

برای همچون منی که از برلین تا نجف، اِچمبازتین، قونیه، کوالالامپور، ایروان، موصل، بیروت، میلان، اسکشهر، پاریس و شهرهای میانه راه طریقش را التراق کرده و در آنها سکنا گزیده است، هجرت نوعی از سبک زندگی است. زندگی دائم‌الهجرتی که کوچیدنش به دنبال بهانه بیرونی نیست. صرف درک هجرت «سپیرو فی الارض» مهم‌ترین دلیل است. رفتن به دنبال چیزی که خود را در آینه‌اش پیدا کنی یا بازتعریف. به صرف یک بار زندگی کردن و هجرت به یک دیار نیز نمی‌توانی ادعای فهم و شناختش را داشته باشی. مثال بارزش همین تهران است. هر بار که از هجرت دیاری به تهران بازمی‌گردم، آن شهر دیگر همان شهری که ترکش کرده‌ام، نیست و تغییر کرده است؛ چه محیط و خیابان‌هایش، چه ساکنان و رهگذرانش. به همین دلیل ساده نیز هجرت نه لزوماً با هدف شناخت دیار و جغرافیاهای دیگر، بلکه به دلیل شناخت خود در بستر و محیط و بومی دیگر است. سفرنامه نوشتن از جغرافیاهایی که گذر کرده‌ای، نمی‌تواند ترسیم دقیق‌تری از آن دیار باشد؛ زیرا تو حالا گذر کرده‌ای از این دیار، با تویی که این دیار را ترک و عزم دیار دیگر

خویش به خویش است در میانه بضاعت جهان.

**یاد**

به یاددکتر شهرام امینیان‌فرد

جان شیفته



مینو بدیغی\*

یک بعدازظهر نسبتاً گرم بهاری بود، یعنی اردیبهشت. این گرما و اینجا در کاخ درندشت سعدآباد که همه چیز حکایت از دورانی را داشت که ظاهراً گذشته بود، اما خود را به رخ می‌کشید، به سمت یکی از کاخ‌ها که جلال و جبروتش را حفظ کرده بود، در برابر کاخ، بنری که حکایت از یک سخنرانی فرهنگی – هنری و یادواره‌ای از استاد حسین بهزاد، مینیاتوریست سرشناس داشت، در برابر این کاخ تعجب می‌کردی، تندیس بلندقامت آرش کمانگیر، روح بلند و آزاده مردم این سرزمین را نشان می‌داد؛ در کجا در کاخی که لابد آرزوهای بسیاری از ملت را در خود دفن کرده بود و اینک آرش کمانگیر، اما بنر و کاخ روبه‌رو، حدیث دیگری را ساز می‌کرد که یک شخصیت با اطلاع فرهنگی و هنری درباره آثار پهلوانی ایران‌زمین در نقاشی‌های استاد بهزاد سخن می‌گفت، فکر می‌کردی چه موضوع و سوز و سختی. اما از شهرام امینیان‌فرد هیچ نوع اطلاع و علمی بعید نبود....

او را تقریباً دو ماه قبل در موزه عباسی دیده بودم با دانش زیاد، نمی‌خواهم فهرست مدارک تحصیلی و تخصص‌هایش را ردیف کنم، اما هرچه از او یاد می‌آید، دانش وسیع درباره میراث فرهنگی و هنری ایران‌زمین بود. در طبقه‌های مختلف موزه عباسی که بخش ایران باستان از دوران بعد از اسلام جدا شده بود، او درباره اشیای عتیقه و یادگارهای نیاکان حرف می‌زد که انکار خودش در آن زمان زندگی می‌کرده است. یک استاد پژوهشگر و به‌تمام صاحب ایده و نظریه، مات و میهوت مانده بودی؛ ظروف ساخته‌شده در قرون قبل از مادها، در دوره عیلامیان، کاسه‌ها، ابزارهای جنگی، مفرش‌ها، تاج‌های شاه‌ی، سفال‌ها، ظروف زرین و سیمین، جواهرآلات، وسایل زینتی ملکه‌ها و ... به هرکدام که می‌رسیدیم، او توضیحات مفصل می‌داد. پرسیدیم: استاد هرکدام از این اشیا به نظر می‌آید تاریخچه مفصلی دارند؟ جواب داد: تاریخچه که چه عرض کنم، خود یک تاریخ هستند و مردم ما اطلاعات کمی درباره اینها دارند. فکر می‌کنند اینها اشیای عتیقه هستند که مثلاً باید فروخته شوند و کسانی از آن سود ببرند.

این حرف امینیان‌فرد، مرا به فکر فرو برد که چقدر بی‌اطلاع و ناآگاه هستیم، هفت هزار سال تمدن و تاریخ و میراث فرهنگی و هنری، چقدر بی‌تفاوت هستیم. یعنی ناچاریم، از صح تا شب به دنبال لقمه‌ای نان و سد جوع و حتی قطره‌ای آب، بیه کجا سقوط کرده‌ایم؟ فکر آخری را من با صدای بلند گفتم، دکتر امینیان پوزخند تأسف‌آمیزی زد: چه کسی برایش موزه و اشیای تاریخی آن که هرکدام سرنوشتی را بیان می‌کنند، اهمیت دارد. حتی دانشجویان رشته‌های هنری هم برایشان اهمیت ندارد. جا برای تأسف خوردن نبود؛ زیرا دکتر امینیان مشغول توضیح‌دادن اشیای کروی‌شکل شبیه قوری یا کتری امروزی بود که در حدود بیشتر از پنج هزار سال پیش ساخته شده بودند. او می‌گفت: هرچه فکر می‌کنم متوجه نمی‌شوم که به چه ابزار دقیقی این وسیله و شیء را ساخته‌اند؟ چقدر محاسبات ریاضی‌شان دقیق بوده است. او سپس گفت: در این موزه عباسی (که البته بعدها آن را تعطیل کردند)، کنجینه‌ای از این اشیای در زیرزمین آن وجود دارد که من مشغول مطالعه روی تک‌تک آنها هستم.

من در دلم او را تحسین کردم که با اینکه او خودش پژوهشگر میراث فرهنگی و در عین حال متخصص فیزیولوژی پزشکی بود، تا به این حد با دید محققانه به کشف تاریخچه این اشیا رسیدگی می‌کند. در طبقه آثار بعد از اسلام در ایران، وجود شاهنامه‌های خطی و نقاشی‌های مینیاتوری مسحور می‌کرد. قدیمی‌ترین شاهنامه خطی با تصاویر مینیاتوری چشم را خیره می‌کرد که بار دیگر دکتر امینیان اطلاعات لازم را درباره آنها می‌داد و سپس آثار رضا عباسی و سایر هنرمندان نقاش ایرانی که در این‌ها هنگام گروهی از دانشجویان آمدند و رشته سخن به آنها برگشت، دکتر امینیان از جوان‌ترین استادانی بود که من در زمینه میراث فرهنگی و هنری و... دیده بودم. او ناگاه پر کشید؛ بیوهده و از سر اندوه بسیار، همه برای او آینه بسیار درخشانی را پیش‌بینی می‌کردند؛ زیرا او را تحقیق، مطالعه، پژوهش و کار بود. چقدر ناایخردانه است که واکسن ویروسی که جان هزاران و شاید میلیون‌ها انسان را در تمامی کره زمین گرفته است، «جان شیفته» او را هم گرفت. برادرش گفت: او بعد از تزریق واکسن کرونا ناگهان دچار تشنج شد و قلب و عاقلش که شیفته و واله ایران‌زمین بود از کار ایستاد....

آخر چرا، چرا و چرا؟